

ژان وال

ناخشنودی آگاهی در فلسفه‌ی هگل

ترجمه‌ی

باقر پرهام

www.ketab.ir



This is a Persian translation of
Le Malheur de la conscience dans la philosophie de Hegel

By Jean Wahl

Gerard Monford, Paris, 1951

(Premiere edition: Rieder 1929)

Translated by Bāgher Parhām

Sepehrekherad Publishing House, Tehran, 2023

sepehrekheradpub@gmail.com

سرشناسه: وال، ژان آندره، ۱۸۸۸ - ۱۹۷۴ م. Wahl, Jean Andre
عنوان و نام پدیدآور: ناخشنودی آگاهی در فلسفه‌ی هگل/ ژان وال؛ ترجمه‌ی باقر پرهام.
مشخصات نشر: تهران: سپهر خرد، ۱۴۰۲ (چاپ قبلی: انتشارات آگاد)
مشخصات ظاهری: ۳۵۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۵۷۴-۹-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Le malheur de la conscience dans la philosophie de Hegel
موضوع: هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش. ۱۷۷۰-۱۸۳۱ م.
موضوع: Hegel, Georg Wilhelm Friedrich
موضوع: خودآگاهی.

موضوع: دین - فلسفه - تاریخ قرن ۱۹ م.
شناسه افزوده: پرهام، باقر، ۱۳۱۳ - ۱۴۰۲، مترجم.
رده‌بندی کنگره: ۱۴۰۲/خ/۲۹۹/B2949
رده بندی دیویی: ۹۳
شماره کتابشناسی ملی: ۰۳۹۹۹۴۴



نشر سپهرخرد

ژان وال

ناخشنودی آگاهی در فلسفه‌ی هگل

ترجمه‌ی باقر پرهام

چاپ یکم، پانیز ۱۴۰۲، آماده سازی و نظارت بر چاپ: دفتر نشر سپهر خرد (کاوه پرهام)

طراح جلد: محمد جهانی مقدم

چاپ و صحافی: فرهنگ بان (صادقی - حاجیان)

شمارگان: ۲۲۰ نسخه

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب، محفوظ است

نشر سپهر خرد: اینستاگرام sepehrekherad.pub

*مرکز پخش: کتاب دوستان: تلفن: ۰۶۶۴۹۲۹۶۲، ۰۶۶۴۸۰۵۶۹، ۰۹۸۷، ۰۶۶۴۰۰۲۱-۰۶۶۴۰۰۲۱

*مرکز پخش: کتاب ققنوس: تلفن: ۰۶۶۴۶۰۰۹۹، ۰۶۶۴۶۰۰۹۹

* فروش اینترنتی: www.agahbookshop.com

قیمت: ۲۵۰،۰۰۰ تومان

فهرست

۷	مقدمه‌ی مترجم
۱۵	پیشگفتار
۲۱	در باره‌ی مشی‌های اندیشه‌ی هگل
۲۳	۱. بازی برابر نهانِ اندیشه
۲۶	۲. بازی برابر نهان و کوششِ باهم نهان
۲۸	۳. بازگشت به بر نهاد
۳۲	۴. دیدگاه پدیدارشناختی
۳۴	۵. گذار به مطالعه‌ی آگاهی ناخشنود

جایگاهِ فکرتِ آگاهی ناخشنود در تشکیل نظریه‌های هگل

۳۷	مقدمه
۳۸	بخش یکم
۵۵	۱. آیین یهودیت
۶۸	۲. عیسی
۷۹	۳. کلیسا و قرون وسطی
۹۶	۴. درد مسیحی
۱۰۱	۵. جهان مدرن و قرن هیجدهم
۱۱۱	۶. فیخته و یاکوبی
۱۲۰	۷. فلسفه‌های رمانتیک

بخش دوم

۱. مرگِ خدا ۱۳۰
۲. معنای دوگانهای مرگِ خدا ۱۴۸
۳. وساطت، سلبيت و جدایی ۱۶۲
۴. نتیجه‌گیری ۱۹۰

تفسیربندی از «پدیدارشناسی جان» هگل

۱. مقدمه ۲۰۷
۲. آگاهی ناخشنود در آیین بهرد ۲۱۴
۳. مسیحیت ۲۲۱
۴. آگاهی ناخشنود در مسیحیت ۲۳۳
۵. آگاهی ناخشنود و جان ۲۴۵

درباره‌ی چه‌گونگی تشکیل شدنِ
نظریه‌ی هگلی «مفهوم جامع»

۲۵۱

بخش یکم

۱. پیکار بر ضدِ تفکر ۲۵۴
۲. عشق ۲۶۳
۳. هستی ۲۶۶
۴. حیات ۲۷۰
۵. ویران شدنِ تفکر ۲۷۲

بخش دوم

۱. تقدیر ۲۸۵
۲. یگانگیِ تفکر و عشق ۲۹۳
۳. به‌همانی رسیدنِ تفاوت‌ها ۲۹۹
۴. جان ۳۱۲

پوست

فصل مربوط به «آگاهی ناخشنود» در
کتاب پدیدارشناسی جان از هگل

- کتابنامه ۳۴۹
- سال‌شمار (۱۷۹۴-۱۸۰۰ م) ۳۵۳

مقدمه‌ی مترجم

نویسنده‌ی این کتاب ژان وال، فیلسوف فرانسوی است که در ۲۵ ماه مه ۱۸۸۸ در مارسی زاده شد، و در ۱۹ ژوئن ۱۹۷۴ در پاریس درگذشت. ژان وال از تبار یهودی بود. در جوانی به همراه پدرش، که در دستگاه آموزشی فرانسه کار می‌کرد، به پاریس آمد. در ۱۹۰۷ به دانش‌سرای عالی این شهر وارد شد. در ۱۹۱۰ آزمون دشوار آگروه‌گاسیون (agrégation) فلسفه را گذراند و برای تدریس فلسفه در شهرهایی چون لیون، نانی، و بزانسون به کار پرداخت.

ژان وال در ۱۹۲۰ به گرفتن درجه‌ی دکترای دولتی در ادبیات موفق شد. نخستین کتاب او با عنوان فلسفه‌های نکتزگرایی انگلیس و آمریکا در واقع «رساله‌ی وی برای گرفتن همین عنوان دکترای دولتی بوده»^۱.

ژان وال، در بین استادان فرانسوی از زمره‌ی اذهان به اصطلاح

1. Genevoline Jarczyk, Pierre-Jean Labarrière, *De Kojève à Hegel. 150 ans de pensée hégélienne en France*, Bibliothèque Albin Michel, Idées, Paris, 1996, P. 264.

جامع‌الاطراف بود؛ زیرا علاوه بر فلسفه، به شعر، موسیقی و نقاشی نیز علاقه‌ی عمیق داشت و مطالعاتی در این زمینه‌ها انجام می‌داد.

ژان وال در ۱۹۳۶ وارد سوربن شد و، جز در سال‌های جنگ جهانی دوم، در بقیه‌ی عمر خویش به تدریس فلسفه در این دانشگاه مشغول بود. استثنای سال‌های جنگ دوم برای این بود که حکومت ویشی (Vichy) — که با آلمان نازی، اشغالگر فرانسه، همکاری می‌کرد — ژان وال را به دلیل تبار یهودی‌اش از تدریس در دانشگاه محروم و به صورت اجباری بازنشسته کرد. اما ژان وال، بنابر نوشته‌ی یان باربه در فرهنگ مؤلفان^۵، حتی در همین سال‌های بازنشستگی اجباری، شاگردان خود را در اتاق هتل‌اش می‌پذیرفت. در همین سال‌ها بود که ژان وال نسبت به دیگر استادان فرانسوی که با رژیم ویشی و اشغالگران بیگانه کنار آمده بودند، و به کار خود ادامه می‌دادند، آشکارا موضع گرفت و گفت: «ترور ما کم، این گروه از استادان را به لکنت زبان دچار کرده، و اینان، از بی غیرتی یا از سر ترس، دست حکومت همکاری با اشغالگر بیگانه را بازی می‌کنند». این اعلام نظر سبب دستگیری ژان وال در سال ۱۹۴۱ شد. او را به اردوگاه درانسی فرستادند و در آنجا مورد آزار و تحقیر بسیار قرار گرفت. ولی، خوشبختانه، جمعی از دوستان با نفوذش به‌داد وی رسیدند و او به کمپ آنان از آن اردوگاه رهایی یافت و مانند دیگر یهودیان به اردوگاه مرگ نازی‌ها فرستاده نشد.

ژان وال، پس از رهایی از اسارت، می‌خواست دوباره به کار تدریس فلسفه بپردازد. اما همان دوستان که اسباب رهایی‌اش را فراهم کرده

* Yann Barbé, *Dictionnaire des auteurs de tous les temps et de tous les pays*, Robert Laffont, Paris, 6 e édi, 1990, Tome IV, P. 661.

در این «فرهنگ» سال انتشار کتاب ناخشنودی آگاهی در فلسفه‌ی هگل ۱۹۳۹ ذکر شده، که اشتباه است. تاریخ درست انتشار این کتاب ۱۹۲۹ است — م.

بودند او را از خطر ط‌جبهه‌ی نازی‌ها گذراندند و روانه‌ی آمریکایش کردند.

ژان وال پس از جنگ به پاریس برگشت و تدریس فلسفه در سوربن را از سر گرفت. او تا پایان عمر خویش در پاریس ماند و به همین کار تدریس ادامه داد. یان باربه، نویسنده‌ی شرح حال ژان وال در فرهنگ مؤلفان، می‌گوید پس از پایان جنگ دوم و بازگشت ژان وال به پاریس، «آپارتمان او میعادگاه گروه‌هایی از هنرمندان، نویسندگان و فیلسوفان بود که برای بحث و تبادل نظر درباره‌ی این‌که چه گونه می‌توان سازش‌ناپذیر و منتقد باقی ماند در آن‌جا گرد می‌آمدند.» همو ژان وال را استادی می‌داند که در پرورش چندین نسل از روشنفکران جوان فرانسوی تأثیری به‌سزا داشته است.

ژان وال در طول حدود شصت سال تدریس فلسفه و تفکر در زمینه‌های شعر و هنر در فرانسه، آثار متعدد و مهمی منتشر کرده است که در این‌جا نمی‌توان به آن‌ها پرداخت. تنها به این اشاره بسنده می‌کنم که، پیش از این، دو کتاب از وی به فارسی برگردانده شده است: اندیشه‌ی هستی در فلسفه‌ی وجودی یا اگز‌ستانسبیل که بیشتر به اندیشه‌های کی‌یرکه‌گور و کارل یاسپرس می‌پردازد. این کتاب را خود من به فارسی برگردانده‌ام. چاپ نخست آن در ۱۳۴۵ و ویراست دوم‌اش در ۱۳۵۷، توسط انتشارات طهوری منتشر شده است. مرحوم دکتر یحیا مهدوی و همکاران‌شان نیز کتاب *Traité de métaphysique* ژان وال را با عنوان رساله در مابعدالطبیعه ترجمه کرده‌اند که در انتشارات خوارزمی منتشر شده است.

اما کتاب حاضر. این کتاب تحلیل‌گیرا و جامعی است از، به‌ویژه، آثار دوران جوانی هگل که، چنان‌که گفته شد، در ۱۹۲۹ منتشر شده است. در این تاریخ، به‌رغم اشارات و یادآوری‌های ایسن و آن از هگل در

نوشته‌های‌شان^{۱۰}، هنوز جز دو اثر از هگل چیزی به زبان فرانسه برگردانده

در باب تاریخ آشنایی فرانسویان با نام هگل و شروع ترجمه‌ی آثار مهم وی به زبان فرانسه، منابع بسیاری وجود دارد. کتابی که ما در همین مقدمه (ص ۷) در حاشیه معرفی کردیم، یکی از همین گونه منابع است. این کتاب را دو مؤلفی نوشته‌اند که مترجم سومین ترجمه‌ی کامل متن پدیدارشناسی جان، اثر هگل، به زبان فرانسه‌اند. ما مشخصات این ترجمه را در مقدمه‌ای که بر ترجمه‌ی پیشگفتار بر پدیدارشناسی جان هگل آورده‌ایم، به‌طور کامل ذکر کرده‌ایم. کتاب دیگری که در همین زمینه، یعنی چه‌گونگی ورود هگل به فرانسه و ترجمه‌ی آثار او، اخیراً منتشر شده است این است:

Lectures de Hegel, ouvrage collectif sous la direction d'Olivier Tinland, Livres de poche, Paris, 2005.

در این کتاب برنارد بورژوا تحت عنوان «هگل در فرانسه» مقاله‌ای دارد در باب چه‌گونگی ترجمه‌ی آثار هگل به فرانسه. این مقاله در ۱۹۹۲ منتشر شده بود و در این کتاب تجدید چاپ شده است. وی می‌گوید در سال‌های ۱۸۱۷ و ۱۸۲۲، یک فیلسوف فرانسوی، به نام ویکتور کوزن (Victor Cousin) که «حیات دانشگاهی و آموزشی در فرانسه در سراسر قرن نوزدهم زیر تأثیر و نفوذ او بود»، در مسافرت‌هایی که به آلمان داشت با هگل دیدار کرد. کوزن، در بازگشت، در شرح دیدارهای خود با هگل، مطالبی نوشت که در آن‌ها فلسفه‌ی هگل را نوعی «حد میانه‌ی درست» معرفی کرد که پایه‌های سیاسی را میان آلمان و فرانسه بنیاد خواهد نهاد که این دو کشور، و همه‌ی اروپا، مدت‌هاست که در انتظارش بوده‌اند. با این گزارش‌ها بود که فرانسویان با نام هگل در زنده‌بود وی آشنا شدند. اما این به معنی شروع ترجمه‌ی آثار هگل به زبان فرانسه نبود؛ زیرا، به روایت برنارد بورژوا، نخستین اقدام برای این کار پس از مرگ هگل، توسط شارل بنارد (Charles Bénard, ۱۸۰۷-۱۸۹۸) در ۱۸۴۰ انجام شد. بنارد، در این سال دوس‌های زیباشناسی هگل را به فرانسه برگرداند. در دهه‌ی شصت قرن نوزدهم نیز یک ایتالیایی به نام آگوست ورا (A. Vera) کتاب دانشنامه‌ی علوم فلسفی هگل را به فرانسه ترجمه کرد. این وضع به تقریب حدود یک قرن ادامه داشت تا سال ۱۹۲۱ که ژان هیپولیت، با ترجمه‌ی اثر دوران‌ساز هگل، یعنی پدیدارشناسی جان، به زبان فرانسه درواقع بنیادگذار جریانی از ترجمه‌ی آثار هگلی با تألیف آثاری درباره‌ی هگل شد. این تأثیر چنان بود که، به روایت برنارد بورژوا، دانشگاه‌های فرانسوی - که بیش از یک قرن جز به تدریس و تفسیر آثار کانت نمی‌پرداختند - سرانجام در اواخر دهه‌ی شصت قرن بیستم تصمیم گرفتند آثار هگل جزو برنامه‌ی کتبی ازموآن دشوار آگروه‌گاسپرون فلسفه قرار گیرد که هر فرانسوی داوطلب تدریس این رشته ناگزیر از گذراندن آن است.

باری، جریان ترجمه‌ی آثار هگلی و تحلیل و تفسیر این آثار، به روایت گواندولین یاروبیک و پی-ژان لابیاری بر (که مقاله‌ای با عنوان پدیدارشناسی جان و علم منطقی در کتاب فرائض‌هایی از هگل نوشته‌اند) با شکل گرفتن آن‌چه این دو آن را «مکتب

نشده بود و می‌توان گفت که هگل برای فرانسویان به تقریب ناشناخته بود.

پیش از آن‌که ژان وال وارد سوربن شود، یک استاد روسی تبار به نام آلکساندر کوژو، در ۱۹۳۳ در پاریس به تدریس فلسفه مشغول شد. کوژو در ۱۹۰۲ در مسکو زاده شده و در ۱۹۶۸ در پاریس درگذشته است. او پیش از ورود به فرانسه، فلسفه را در آلمان در محضر کارل یاسپرس آموخته بود. در فرانسه وی به تدریس هگل پرداخت. یادداشت‌های تدریس او در این باب، در سال ۱۹۴۷، به همت ریمون کنو (R. Queneau) با عنوان مقدمه بر قرائت هگل به زبان فرانسه منتشر شد. در جلسات کنفرانس‌های او جمعی از نامداران فرانسه، مانند ژرژ باتای، ریمون کنو، گاستون کسار، موریس مریلو-پونتی، ژاک لاکان، ریمون آرون، روزه کای بوآ، اریک ویل، ژورژ گروویچ، ریمون پولن، ژان هیپولیت و روبیر مارژولن حضور می‌یافتند (یارزیک، لارییر: ص ۲۹). به عقیده‌ی آنتوان برمان، نویسنده‌ی شرح حال او در فرهنگ مؤلفان (باربه: ۲، ص ۷۵۳)، تحلیل کوژو از مقوله‌ی «خدایگان و بنده» در پدیدارشناسی جان، و تأکید وی بر این نوع تحلیل — که بیشتر با توجه به آموزه‌های مارکس انجام می‌شد — تأثیر مهمی بر حرکات آشنایی فرانسویان با اندیشه‌های هگل داشته است. خود کوژو نیز — چنان‌که در مقدمه‌ی مترجم بر پیشگفتار پدیدارشناسی جان آورده‌ایم — بعدها بر وجه ایده‌تئورژیک تحلیل‌های خود مهر تأیید گذاشته و بدان اعتراف کرده است. منظور این است که بیشتر محققان و تحلیل‌گران فلسفه در مورد هگل و شناسانده شدن اندیشه‌های وی به فرانسویان، به رسم معمول بر تأثیر آموزش‌های کوژو تأکید خاصی دارند. ما نمی‌خواهیم منکر چنین تأثیری شویم، فقط می‌خواستیم یک واقعیت تاریخی را یادآوری کنیم.

* لانتیلی (École de Chantilly) می‌نامند به گشودن چشم‌اندازهایی جدید انجامید که اکنون هم ادامه دارد (قرائت‌هایی از هگل، صص ۳۶ تا ۸۵) — م.

کتاب ناخشنودی آگاهی در فلسفه‌ی هگل که اکنون در دست شماست، کتابی است که ژان وال آن را در ۱۹۲۹، یعنی چهار سال پیش از ورود کوزو به فرانسه و شروع کار تدریس او، منتشر کرده است. ژان وال، در این کتاب، نه تنها تصویر جامعی از آثار دوره‌ی جوانی هگل، بلکه حتی از جایگاه مفهوم آگاهی ناخشنود در اثر مهم هگل، یعنی پدیدارشناسی جان ارائه می‌دهد. با این حساب، آیا جای آن ندارد که در کنار کسانی چون کوزو، یا فیلسوف روسی‌تبار دیگری چون آلکساندر کوآره، حق پیش‌گسوتی در شناساندن هگل را در مورد ژان وال نیز به‌دیده داشته باشیم؟ فراموش نباید کرد که ترجمه‌ی سیزده بند از بیست و پنج بند فصل مربوط به آگاهی ناخشنود در کتاب پدیدارشناسی جان، نخستین بار در همین کتاب ناخشنودی آگاهی در فلسفه‌ی هگل، اثر ژان وال، بود که در دسترس فرانسویان قرار گرفت.

دو تن از مؤلفان پژوهشگران فرانسوی — که از آنان در همین مقدمه یاد کرده‌ایم — در کتابی که مشخصات‌اش را در پانویس صفحه‌ی ۷ آوردیم، گفتارهایی در بررسی انتقادی کتاب ناخشنودی آگاهی در فلسفه‌ی هگل دارند. این دو، پس از ستایش از این کتاب، با تعبیر «مطالعه‌ای عمیق و به‌حق بلندآوازه» (پارژیک، لا بارییر: ص ۴۱)، می‌گویند مؤلف در این کتاب به بررسی یک قالب معین از پدیدارشناسی جان اکتفا نکرده، بلکه خواسته است موضوع آگاهی ناخشنود را — چنان‌که عنوان کتاب وی از آن حکایت دارد — «در فلسفه‌ی هگل» مورد بحث قرار دهد. به عقیده‌ی این دو، این‌گونه گستراندن یک قالب معین آگاهی و تعمیم دادن‌اش به کل اندیشه‌ی هگل، «مسائل مهمی» ایجاد می‌کند، زیرا با این خطر همراه است که برای یک قالب معین از حرکت پیش‌رونده‌ی جان «ارزشی بیش از حد لزوم و بنابراین نامتعادل‌ساز» (همان‌جا) قائل شویم. به عقیده‌ی این دو مؤلف، همین برداشت ژان وال بوده که به شکل‌گیری آن‌چه اینان از آن با نام «مکتب فنومنولوژیک هگلی» یا «مکتب اگزستانسیل هگلی» در فرانسه یاد می‌کنند، انجامیده است (همان‌جا).

ایراد مهم دیگر این دو تن به ژان وال این است که چرا وی فقط سیزده بند از بیست و پنج بند فصل مربوط به آگاهی ناخشنود در کتاب پدیدارشناسی جان را ترجمه و ضمیمه‌ی کتاب خود کرده است، نه همه‌ی آن فصل را (ما با ترجمه‌ی تمامی آن فصل و آوردن‌اش در ضمیمه‌ی ترجمه‌ی حاضر، این ایراد را برای خوانندگان فارسی‌زبان رفع کرده‌ایم). در هر صورت، اشاره‌ای بود به نقدی که حدود شصت و هفت سال پس از انتشار کتاب ژان وال در فرانسه، بر این کتاب نوشته شده است. این نقد نکات دیگری هم دارد که پرداختن به آن‌ها در این جا لازم نیست؛ خوانندگان علاقه‌مند به این مباحث و آشنا به زبان فرانسه می‌توانند به اصل این گفتارها در همان منبعی که در پانویس صفحه‌ی ۷ آورده‌ایم مراجعه کنند.

بعد از انتشار ترجمه‌ی فارسی استقرار شریعت در مذهب مسیح، از کارهای دوره‌ی جوانی هگل، که اکنون به چاپ دوم رسیده است، و ترجمه‌ی کتابی از ژان هیپولیت درباره‌ی هگل، با عنوان مقدمه بر فلسفه‌ی تاریخ هگل، که ویراست سوم آن در دسترس فارسی‌زبانان قرار گرفته است، ترجمه‌ی کتاب حاضر گام دیگری است از سوی این مترجم برای شناساندن هگل به فارسی‌زبانان. می‌خواهم این گام‌ها را با ترجمه‌ی کتاب پدیدارشناسی جان از هگل تکمیل کنم. ترجمه‌ی این کتاب هگل، که با مقایسه‌ی سه ترجمه‌ی فرانسوی، دو ترجمه‌ی انگلیسی، و متن آلمانی انجام می‌گیرد، اکنون در حال پیشرفت است (بخش پیشگفتار آن، با موافقت ناشر، به چاپ سپرده شده و منتشر شده است). هتم بدرفه‌ی راه‌کن ای طائر قدس.

در پایان این نکته را ناگفته نگذارم که حروف چینی و اصلاحات مکرر این کتاب مدیون کمک و کوشش بی‌دریغ دوستانم سیامک و بهرام دریانی است. عمر هر دو دراز باد و روزگارشان به کام.

باقر پرهام

ساکرامنتو، ۲۸ دسامبر ۲۰۰۷

۷ دی‌ماه ۱۳۸۶